سلسلهٔ مسؤلیت های مجاهد

۲

چگونه به آرام نشستن راضی می شویم؟



نویسنده

الشیخ ابراهیم الربیش

مترجم: استاد عبدالله (پغمانی)

مکتبة دار الصدق
Daar-ul-Sedq

سخن گهربار

ما میدانیم که آزادی از یوغ اشغالگران بهای هنگفتی را می خواهد، که اکنون آن را می پردازیم و به زودی از یوغ وچنگال جنایت نواده های جورج واشنگتن و این (گاو بای) های وحشی و درنده و متحدان اروپایی و اجیران آسیایی آن رهایی می یابیم و در زیر چتر اسلام عزیز یکبار دیگر نفس آرام می کشیم، ما صبح آزادی را خیلی نزدیک می بینیم و به زودی بر ما طلوع خواهد کرد، اما جنایات اشغالگران ثبت تاریخ بشری میگردد، تا عبرتی گردد به طاغیان سرکش در آینده.

از سخنان شهید استاد احمد ظاهر [رحمه الله]

مشخصات

نـــــــام: چگونه به آرام نشستن راضی می شویم؟

نویسنـــده: الشیخ ابراهیم بن سلیمان الربیش (رحمه الله)

متـــرجـم: استاد عبدالله (پغمانی)

سال چـاپ: ١٤٣٦ هـ ق

نوبت چاپ: اول

تیـــــراژ: (۲۰۰۰) دو هزار

ناشـــــر: اداره نشراتی دار الصدق

Daar-ul-Sedq

آدرس انترنت: صفحهء فیسبوک www.facebook.com/daarulsedq

صفحهء تیوتر www.twitter.com/daarulsedq

با چاپ و نشر این رساله در جنگ علیه صلیبی ها خود را سهیم سازید.

بسم الله الرحمن الرحیم

ای برادرم! آیا این برایت منصفانه معلوم می شود، که در مورد مجاهدین سنگردار و عملکرد شان از یک انسانی بپرسی، که در گوشهء عافیت نشسته و با اظهارات نادرست و دور از واقعیت خود چیزی را مهم خوانده و چیزی را بی ارزش معرفی میکند، کسی را مجرم دانسته و کارهاییرا حرام می خواند، شهادت دروغینی ارائه می دارد، و یا فیصلهء غیابی در مورد قضایای زیادی در حالی صادر میکند که نه خود آنهمه را به چشم سر دیده و نه به صورت واقعی درک کرده است.

برای امت مسلمان راه نجات دیگری از شر دشمنان وجود ندارد، مگر اینکه با هم وحدت نموده و در برابر باطل در یک صف مستحکم قرار بگیرند و برای رهبری خویش چنان مردانی را انتخاب کنند، که به جز از مصلحت دین و تقویت قدرت مسلمانان به چیز دیگری توجه نداشته باشند.

باید خوب بدانیم و متوجه شویم که اگر ما در فکر ایجاد گروهی، باشیم که دشمنان با آن تکر و مقابله نکنند.

ما با همچو فکری همانند کسی خواهیم بود که دستش را از دور به طرف جوی آب دراز نموده و انتظار دارد تا آب به دهنش برسد، در حالیکه هرگز با اینکار آب در دهانش نمی رسد، جماعت و تنظیم هرگز ثمر و نتیجهء مطلوبش را نمی دهد، تا آنکه دشمنان با او به جنگ و مقابله نپردازند، در این راه حتماً افرادی از ما کشته می شوند، و حتماً مجروحینی می داشته باشیم، و حتماً افرادی از ما در زیر ویرانه های منازل خویش جان خواهند باخت، حتماً ما اسیران و مهاجرینی خواهیم داشت و درکنار اینهمه با گرسنگی، ترس و وحشت، و کمبود ادویه روبروخواهیم شد، راه همین است، بعد از سپری نمودن همهء این مشکلات عاقبت نیکو در انتظار ما خواهد بود، اگر ما غیر از این چیزی دیگری را می

خواهیم در حقیقت ما از الله تعالی امتیازاتی را خواسته ایم که حتی برای پیامبرش داده نشده بود.

باید بدانیم که دین الله تعالی منصور بوده، ولشکر الله تعالی غالب گردیده و سرنوشت نیکویی در انتظارش است.

به ارادهء پروردگار پیروزی و افتخار نصیب کسی خواهد شد که در سنگر دفاع از دین الله عز وجل حضور دارد، زیرا الله تعالی میخواهد تا جایگاه دوستانش بلند گردیده و پیروزی از آن دینش باشد.

کسی که در این راه پیش قدم است خـرسند خواهد شد، و کسانی که در این راه تاخیر می نمایند به زودی پشیمان خواهند گردید. اما در آن وقت پیشیمانی هیچ سودی برای شان نخواهد داشت، در آن وقت گفته الله تعالی را به یاد خواهیم آورد که:

﴿لَا يَسْتَوِي مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ ٱلْفَتْحِ وَقَٰتَلَ أُو۟لَٰٓئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ ٱلَّذِينَ أَنفَقُوا۟ مِنۢ بَعْدُ وَقَٰتَلُوا۟ وَكُلًّا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْحُسْنَىٰ ١٠...﴾.

ترجمه: «کسانی از شما که پیش از فتح (مکه به سپاه اسلام کمک کرده اند و از اموال خود) خرچ کردند و (در راه الله عز وجل) جنگیده اند، (بادیکران) برابر و یکسان نیستند، درجه و مقام شان فراتر و برتر از درجه و مقام کسانی است که بعد از فتح (مکه در راه اسلام) بذل و بخشش نموده وجنگیده اند، اما به هر حال الله تعالی به همه وعدء پاداش نیکو میدهد». [سوره الحدید]

اکنون وقت آن فرا رسیده، تا در راه الله تعالی یک صف مستحکم شویم و دست های خویش را بر دست برادران خود گذاشته و با هم یکجا صابرانه در راحت، تکلیف، آسانی و در سختی یکجا باشیم.

الهی مجاهدین راه ات را در هر جا که هستند مدد فرما، الهی آنها را بر دریافت حق همنظر و همصدا بگردان، الهی آنها را بالشکریان آسمانی و زمینی

کمک نما، الهی بر آنها صبر نازل نموده، و قدم هایشان را استوار نما، وآنها را بر کافران پیروز گردان. والحمدلله رب العالمین.

الهی به تو از ضعیفی و کمی قوات خویش و از کمبود اسباب و تجهیزات خویش و از اینکه در چشم مردم خوار و حقیر جلوه می کنیم؛ شکایت داریم.

گناهان ما بی شمار و زخم های ما فراوان گشته، امت اسلامی در گناه ها فرورفته، توان اجتناب از معاصی، قوت و نیروی انجام کار های نیکو و شایسته تنها نزد تو است و بس.

امت ما در بحر خون شنا میکند بلکه در حال غرق شدن است وقتی که عملکرد او را با دشمن مشاهده نمائی گفتهء گوینده ای به یادت می آید که میگفت: وضعیت و حالت امت ما را مانند مردهء می بینی که برایش مرثیه خوانده می شود.

هیچ امت و گروهی را در سطح جهان نمی یابی، که دشمنانش مانند دشمنان امت اسلامی بالایش مسلط گردیده و به اندازهء امت اسلام درد ذلت و اذیت را چشیده باشد، زخمهایش گوناگون بوده و غمهایش رنگارنگ باشد، در هر شهری مصیبتی وجود دارد، زخم، جراحت، آزار واذیت، این مصیبت ها و رنجها زمانی به اوجش رسیده که امت ما به گروه های متعدد و احزاب گوناگون تقسیم شده، و به جان همدیگر افتاده اند، دشمنان امت اسلامی از گوشه ای بما تماشا نموده لذت میبرند زیرا در بین ما گروه هایی موجود اند، که کار دشمن را اجراء می کنند و به فعالیت دشمن ضرورت باقی نمی ماند.

انسان حیران و متعجب می شود، که آیا عزت، مجد و افتخار بزرگی که ثبت تاریخ شده، و آنرا در حافظهء خود به نام مسلمانان درج نموده است مربوط به همین امت میشود؟

آیا (مسلمانان امروزی) از همان امتی هستند، که خلیفه شان ابر را مخاطب قرار داده و میگفت: هر جا که میخواهی ببار، خراج تو حتماً زود یا دیر به نزد من خواهد آمد؟!!.

امت را مشاهده می کنی که از دین خویش رو گردانیده و از مصدر عزت و قوت خود فاصله گرفته، و با گذشت هر روز حقیرتر و ذلیلتر می شود، پیامبرﷺ حال امت را طی حدیثی که آنرا ابوداؤود درسنن خود روایت نموده چنین بیان فرموده است: (إذا تبايعتم بالعينة وأخذتم أذناب البقر ورضيتم بالزرع وتركتم الجهاد سلط الله عليكم ذلا لا ينزعه حتى ترجعوا إلى دينكم)

ترجمه: «زمانی که در داد و ستد تان از طریقهء (عینه)[1] استفاده کردید، و از پی دم گاوها رفتید (معمولا دهقانان در هنگام تخم زدن زمین از عقب گاوها روان می باشند) وبه کشت وکار راضی شدید (اکتفاء کردید) و جهاد را ترک گفتید، الله تعالی بر شما ذلتی را مسلط خواهد کرد، که از شما برداشته نخواهد شد، مگر اینکه دوباره به دین تان رجوع نمائید».

پیامبرﷺ مرض را به صورت کامل توصیف نموده و دوایش را نیز توضیح فرموده که همان رجوع به دین حق است، بناءً پستی و ذلت از امت ما رفع نخواهد شد، مگر اینکه بیرق جهاد را همیشه بر افراشته نگه داریم، و از مصروف شدن در امور دنیا به جای خدمت دین الله تعالی پرهیز کنیم، بناءً ما برای بیرون آوردن امت خویش از تیرگی های ضعف و حقارت حتماً باید به دین رجوع نموده، و حتماً باید در راه الله عزوجل همگام شویم، خروج در راه الله تعالی اگر از یک

---

[1]- عینه یک نوع حیله است که سود خواران از آن استفاده می کنند، و طوری اجراء می شود، که شخص سودخور کالایش را بالای دیگری به قیمت معین به فروش میرساند، که پول آن را خریدار بعد از مدتی خواهد پرداخت، بعد همان جنس را به پول کمتر از مقدار تعین شده نقدا واپس خریداری میکند.

طرف لبیک گفتن به فرمان الله تعالی بوده و موجب غصه و خشم دشمنانش میگردد، از جانب دیگر بعد از الله تعالی یگانه ذریعهء ایست که باعث نجات امت از خندق خون و از سرگردانی ذلت خواهد شد.

برادرم: چگونه به آرام نشستن راضی شویم، در حالیکه الله عز وجل فرموده است.

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ ٱنفِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱثَّاقَلْتُمْ إِلَى ٱلْأَرْضِۚ أَرَضِيتُم بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا مِنَ ٱلْأٓخِرَةِۚ فَمَا مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا فِي ٱلْأٓخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ٣٨﴾. [التوبة]

ترجمه: «ای مؤمنان چرا هنگامی که به شما گفته میشود، در راه الله تعالی حرکت کنید، سستی می نمائید، و دل به دنیا می دهید؟ آیا به زندگی این جهان به جای زندگی آن جهان خوشنودید، (وفانی را بر باقی ترجیح می دهید؟) نیست تمتع این جهان در برابر تمتع و کالای آن جهان مگر اندکی».

چگونه به باز نشستن خوشحال باشیم، در حالیکه الله تعالی میفرماید:

﴿إِلَّا تَنفِرُواْ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْـًٔاۗ ٣٩﴾. [التوبة]

ترجمه: «اگر برای جهاد بیرون نشوید، الله تعالی شما را (در دنیا با استیلاء دشمن و در آخرت به آتش سوزان) عذاب دردناکی میدهـد، (و شما را نابود می کند) قومی را جاگزین تان میسازد، که جدا از شما هستند و هیچ زیانی به الله تعالی نمی رسانید».

چگونه آرام نشستن برای ما خوش آیند باشد، در حالیکه الله تعالی میفرماید:

﴿ٱنفِرُواْ خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَٰهِدُواْ بِأَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ٤١﴾. [سوره التوبة]

ترجمه: «(ای مؤمنان! هر گاه منادی جهاد شما را به جهاد ندا درداد فوراً) به سوی جهاد حرکت کنید، سبکبار و سنگین بار جوان یا پیران، مجرد یا متاهل، کم عیال وزیاد عیال، غنی یا فقیر، فارغ البال یا گرفتار مسلح به اسلحه سبک یا

سنگین، پیاده یا سواره، در هر صورت و به هر حال، با مال و جان در راه الله تعالی جهاد کنید، اگر دانا باشید، میدانید که این به نفع خود شما است».

چگونه نشستن بما خوش آیند باشد، در حالیکه پیامبر ﷺ میفرماید:

(هر که بمیرد، در حالیکه نه در زندگی اش جهاد کرده ونه باخود نیت و عزم جهاد را داشته، مرگ او در یکی از راه های نفاق خواهد بود).

چگونه نشستن بما خوش آیند باشد، در حالیکه ما شریعت الله تعالی را می بینیم، بی ارزش و پامال و از مسند حاکمیت کنار زده شده و جایش را قانون وضعی ساخت انسان گرفته است.

برادرم چگونه از آرام نشستن لذت ببریم، در حالیکه ما می بینیم، که برادران ما کشته می شوند، و بر ناموس شان تعرض صورت می گیرد، و خانه هایشان ویران می شود، اما مسلمانان دیگر به عوض همدردی و غمشریکی به آنها تماشا می کنند، مثل اینکه صحنه ای از فلم غیر واقعی را مشاهده می کنند، حالانکه الله تعالی آنها را خطاب می کند. و میفرماید:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلْوِلْدَٰنِ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةِ ٱلظَّالِمِ أَهْلُهَا وَٱجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَٱجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا ۝٧٥﴾. [سوره النساء]

ترجمه: «چه شده شما را که در راه الله عز وجل نمی جنگید، و (نجات) مردان، زنان وکودکان در مانده و بیچارهء که (فریاد می آورند) میگویند، پروردگار! ما را از این شهر و دیاری که ساکنان آن ستمگار اند، خارج ساز و از جانب خود سرپرست و حمایتگری برای ما پدید آور، و از سوی خود یاوری برای ما قرار بده، (تا ما را یاری کند و از دست ظالمان برهاند)».

چگونه به باز نشستن خوشحال می شوید! در حالیکه سرزمین های مسلمانان را مشاهده می کنیم، که یکی پی دیگری غصب گردیده و به دست دشمنان ما سقوط می کند، حال آنکه فقهاء روشن نموده اند، که جهاد در سه

حالت فرض عین میگردد، و یکی از آن سه حالت آنست که دشمن منطقهء از مناطق مسلمانان را تصرف کند، فقهاء روشن ساخته اند که در همچو حالتی پسر بدون دریافت اجازه والدینش و غلام بدون دریافت رخصت از بادارش و قرضدار بدون اجازهء قرض دهنده، باید به جهاد بروند، و هر که توانائی مقابله با دشمن و دفاع از سرزمین مسلمانان را به شکلی از اشکال داشته باشد، بر وی لازم است تا به اندازهء وسع و توانش اقدام نماید.

آیا کسی که از احوال مسلمانان آگاهی دارد، در این موضوع شک میکند که جهاد در عصر حاضر بالای کسانی که توانائی دارند، فرض عین میباشد؟ آیا بعد از همه این توضیحات باز هم مجال شک، تردید و مناقشه باقی میماند؟

مصیبت بزرگ اینست که ما دست زیر الاشه گذاشته و دشمنان خویش را در حالیکه آنها در سرزمین ما به فساد دست می زنند، تماشا می کنیم وسپس جلساتی را تشکیل داده و این موضوع را که آیا جهاد فرض عین است ویا کفایی به بحث‌میگیریم، سالها یکی پی دیگری میگذرد، و باریدن مصیبتها بر سر ما ادامه دارد کشورهای ما غصب میشود، و بر نوامیس ما تعرض صورت میگیرد، اما ما تا هنوز در همان صفحه اول کتاب جهاد قرار داریم، و همین موضوع را با هم مناقشه می کنیم که آیا جهاد فرض عین شده و یا اینکه تا هنوز به حالت فرض کفائی باقی است؟!

برادر عزیزم! از آنچه در توان داری کاربگیر و از برادران مظلومت دفاع کن بعد هر چه میخواستی در مورد حکم جهاد بگو، مصیبت زمانی بزرگ و بزرگتر می شود، که کسی به مسلمانان فتوای فرض کفائی بودن جهاد را صادر میکند، و مردم را از شرکت در جهاد باز میدارد، که خودش هرگز به سنگر نرفته و سنگر های جهاد را جز از شیشه های تلویزیونها و افلام، مشاهده نکرده است، پس از کجا دانست و فتوا صادر کرد؟

برادرم! اگر جهاد در شرائط فعلی فرض عین نباشد، کم از کم از محبوب ترین اعمال به نزد الله تعالی است، شیخ الاسلام رحمه الله در این مورد گفته است:

(هر که گناهانش زیاد باشد، بزرگترین دوای او شرکت در جهاد فی سبیل الله است).

الله تعالی میفرماید: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَـٰرَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝١٠ تُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَـٰهِدُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝١١ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّـٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ وَمَسَـٰكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّـٰتِ عَدْنٍ ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ۝١٢ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا ۖ نَصْرٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ۝١٣﴾.

ترجمه: «ای مؤمنان! آیا شما را به معامله‌ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناك دوزخ نجات دهد ؟

به الله تعالی و پیامبرش ایمان می آورید، و در راه الله تعالی با مال و جان تلاش و جهاد می‌کنید. اگر بدانید این برای شما (از هر چیز دیگری) بهتر است.

گناهانتان را می‌بخشاید، و شما را به باغهای بهشت داخل می‌گرداند که از زیر آن جویبارها روان است، و شما را در منازل و خانه‌های خوب جای می‌دهد که در باغهای بهشت جاویدان ماندگار، واقع شده‌اند. پیروزی و رستگاری بزرگ همین است.

نعمت دیگری که آنرا دوست میدارید، نیز خواهید داشت، که پیروزی الله تعالی و فتح نزدیک است، و به مؤمنان مژده بده». [سوره الصف]

برادرم چه چیز ترا وادار به نشستن می کند؟

آیا به خاطر آن می نشینی که جدائی از خانواده و وطن را خوش نداری؟ چگونه اینکار را انجام می دهی در حالیکه الله تعالی میفرماید:

﴿قُلْ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَٰنُكُمْ وَأَزْوَٰجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَٰلٌ ٱقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَـٰرَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَـٰكِنُ تَرْضَوْنَهَآ أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ ٱللَّهِ

وَرَسُولِهِۦ وَجِهَادٖ فِي سَبِيلِهِۦ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٢٤﴾. [سوره التوبة]

ترجمه: «بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از بی‌رونقی آن می ترسید، و منزل های که مورد علاقه شما است، اینها در نظرتان از الله تعالی و پیامبرش و جهاد در راه او محبوبتر باشد، پس منتظر باشید تا الله تعالی فرمانش را به اجراء در آورد والله تعالی کسان نافرمان را هدایت نمی نماید».

(یکتن از شعراء به نام) نابغه جعدی به جهاد بر آمد، و حالت خود و خانمش را در یک قطعه ای چنین بیان نمود.

(مرا همیشه به نشستن فرا میخواند، و به الله تعالی سوگند می داد، در حالیکه اشگ از دو چشمانش چون جوی جاری بود)

ای دختر کاکایم: کتاب الله تعالی مرا وادار به رفتن به جنگ نموده، اگر چه جدائی ترا خوش ندارم، آیا می توانم، با اراده الله تعالی مخالفت نمایم (که چرا چنین حکمی را صادر کرده است!)

اگر زنده بر گشتم، شاید، مرا مردم وادار به برگشتن نموده باشند، و اگر به پرورگارم پیوستم، (شهید شدم) تو به جستجوی شوهر دیگری شو.

من لنگ، کور و یا از جمله اطفال شیر خور که توان سفر را ندارند نیستم، تا از شرکت نمودن در جهاد معذور پنداشته شوم.

چگونه زندگی برآیت همراه با خانواده و فرزندان خوش آیند و گوارا میباشد، در حالیکه حالت غم انگیز مسلمانان را مشاهده می کنی؟

آیا حالت اسفبار آنها ترا نمی رنجاند؟

آیا آنچه را که به خود دوست داری به آنها دوست نداری؟

آیا راضی می شوی، که ما به جای آنها باشیم، و آنها به جای ما و در آنصورت آنها در راحت طلبی خود غرق شده و بخاطر نجات ما هیچنوع تلاش و حتی التفاتی نکنند چنانچه ما میکنیم.

برادرم! این عدم همکاری ما و آرام نشستن ما تا چه زمانی ادامه خواهد داشت، درحالیکه دشمنان ما بر ما جرئتمندتر می شوند، و هر اندازه که دست درازی دشمنان بیشتر می شود، ما در عقب نشینی بیشتر می کوشیم، ونمیدانیم، تا چه زمانی برسودمند بودن و مؤثر بودن، صف آرائی و مقابله با شیطان و حزب او متردد باقی خواهیم ماند.

شاید جنگ بی رحمانهء کفار و همپیمان شدن تمام قوت های کفری علیه مجاهدین ترا ترسانیده و خانه نشین ساخته باشد حتی از اهل ملت خود شان (مسلمانان) نیز عدهء از ترس دشمنان، خود را دشمن آنها نشان میدهند، اگر ما زندگی پیامبر ﷺ و یارانش را به دقت مطالعه کنیم، درمیابیم، که پیشرفت ها وفتوحات گسترده در شرق و غرب زمین برای آنها میسر نگردید، تا آنکه قبل از آن مراحل سخت و دشواری را سپری نمودند، جنگها بر آنها شدت گرفت، و شرایط سخت شد، به گونه ای که بر خواب رفتن و از خواب برخاستن شان، نیز با سلاح همراه بود، ترس و وحشت بر آنها شدت گرفت، به حدی که هیچ یک آنها در داخل خانه های شان احساس امنیت نمی کردند، حتی یکی از آنها نمی توانست تا برای قضای حاجتش از سنگر بیرون رود.

شاید محاصرهء شدید اقتصادی که بالای مجاهدین وضع نموده اند، ترا از بیرون شدن برای جهاد باز داشته است، اگر چنین باشد، پس ایمانت به این گفته الهی چه شد که فرموده است:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلْقُوَّةِ ٱلْمَتِينُ ۝٥٨﴾. [سوره الذاریات]

ترجمه: «یقیناً الله تعالی بسیار روزی دهنده، و توانای زور آور است».

پیامبر ﷺ اصحابش را به هجرت نمودن فراخواند، در حالیکه برایشان در مدینه هیچ سرپناهی جز مسجد تدارک ندیده بود، گاهی بعضی از آنها از گرسنگی زیاد بی هوش شده و رو به زمین می افتیدند بینندهء آن صحنه گمان میکرد، که دیوانه باشند، درحالیکه آنها دیوانه نه، بلکه از شدت گرسنگی و تنگدستی چنین حالتی داشتند.

حتی پیامبر ﷺ گاه گاهی از خانه بیرون میرفت، و خارج شدن شان از خانه هیچ علتی دیگری جز گرسنگی نمیداشت، گاه گاهی در شکم مبارکشان دو سنگ را بالای هم از شدت گرسنگی بسته می نمودند، و زمانی رسول الله ﷺ دستهء از مجاهدین را غرض ماموریتی بیرون از مدینه میفرستاد، و برای آنها جز یک خریطه خرما توشهء دیگری نمی داشت تا بپردازد، اگر مجاهدین چنین کاری را در عصر ما انجام دهند، اولین کسانی که در مقابل شان قرار میگیرند و عمل شانرا نقد میکنند، خطیبان مساجد و مفتی های شبکه های تلویزیونی و انترنتی خواهند بود، که آنها را به بی پاکی و خودکشی و عجله در رویا رو شدن با دشمن با وجود عاجزی و غیره توصیف خواهند کرد!

برادرم! آیا به خاطری نشسته ای که فکر میکنی که خودت نیز خالیگاهی را پر کرده ای و در کار خیری مصروف هستی؟ ما نیز به تو همین گمان را داریم که إن شاءالله به کار خیری مشغول استی، اما آیا نسبت به جهاد نمودن در راه الله تعالی کدام خیر بزرگتری وجود دارد؟

از رسول الله ﷺ چنانچه در حدیث صحیح روایت شده است، پرسیده شد تا کاری را نشاندهی نماید، که در اجر و ثواب با جهاد فی سبیل الله برابر باشد، پیامبر ﷺ در پاسخ آن شخص فرمود، «به انجام آن قادر نیستی» سپس فرمود: «آیا میتوانی زمانی که مجاهد از خانه اش (به قصد جهاد) خارج میشود (تا وقت برگشت او) به نماز ایستاده باشی، و هیچ خسته نشوی، و پیوسته روزه بگیری وهیچ افطار نکنی؟»

الله تعالی فرموده است: ﴿أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ ٱلْحَآجِّ وَعِمَارَةَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ وَجَٰهَدَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ لَا يَسْتَوُۥنَ عِندَ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩﴾﴾. [سوره التوبة]

ترجمه: «آیا آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجد الحرام را مانند عمل کسی می شمارید، که به الله تعالی و روز آخرت ایمان آورده و در راه الله تعالی جهاد کرده است، اینها در نزد الله عز وجل برابر نمی باشند، والله تعالی گروه ستمگررا هدایت نمیکند».

برادرم! درست است که تو در کار خیری مصروف هستی، اما الله تعالی بر تو لازم گردانیده تا از نوامیس خواهرانت، و از سرزمین های اسلامی دفاع کنی، پس باید برای شرکت در جهاد بیرون شویم، و از الله عز وجل آمرزش بخواهیم تا عدم شرکت در جهاد و خانه نشینی گذشتهء ما را بیامرزد.

برادرم! آیا خیر بزرگتری از این وجود دارد، که از شریعت اسلامی و احکامش در چنان وقتی دفاع نمائی که دشمنان اسلام زیاد شده، و همکاران و یاران مجاهدین کم گردیده اند؟

آیا خیری از این بزرگتر وجود دارد که با مال خودت در راه الله تعالی بیرون شوی، و روحت را به بسیار آسانی در راه رضای الله عز وجل قربان کنی، و با این کار در معامله تجارت با الله تعالی سهم خودت را پوره اداء نمائی، چنانچه میفرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱشْتَرَىٰ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلْجَنَّةَ ۚ يُقَٰتِلُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ﴿١١١﴾﴾. [التوبة]

ترجمه: «یقیناً الله عز وجل از مسلمانان جانها و مالهای شان را به این‌که بهشت برایشان باشد، خریده است، همانکسانی که در راه الله تعالی میجنگند، می کشند وکشته شوند».

برادرم! شاید شنیدن و یا دیدن اشتباهات و یا تجاوز های که عدهء از مجاهدین به حق مردم مرتکب می شوند، ترا از جهاد دلسرد نموده و خانه نشین ساخته باشد.

به من بگو: آیا در قرآن کریم و یا در سنت رسول الله ﷺ پیدا می توانی که اشتباه مجاهدین عذری برای باز نشستگان از جهاد شمرده شود، و یا اینکه برعکس این اشتباهات مسؤلیت ترا دوچندان میسازد، که باید جهاد کنی وهم برای برادران مجاهدت نصیحت نمائی؟

به من بگو ای برادرم! آیا کاری بدون اشتباه وجود دارد؟ آیا اشتباهات در بهترین لشکر روی زمین، لشکر محمد ﷺ وجود نداشت؟ در غزوه احد (پسر أبی بن سلول) با سوم حصهء لشکر عقب نشینی کرده، و پیامبر ﷺ و همراهانش را در سختترین شرایط تنها گذاشت پس آیا کسی گفته می تواند که جهاد با پیامبر ﷺ نقصان و خلل دارد زیرا لشکر او مملو از منافقین بود؟

در غزوه تبوک گروهی از منافقین قصد ترور پیامبر ﷺ را نمودند، پس آیا کسی میتواند ادعا کند، که چگونه با قوماندانی جهاد کنیم که لشکر خودش برنامه ترور او را دارد؟

اسامه بن زید رضی الله عنه مردی را بعد از خواندن کلمه لا إله إلاالله کشت، و گمان میکرد که او این کلمه را از ته دلش نخوانده، و صرف برای نجات از مرگ خوانده است، پیامبر ﷺ این عمل او را نکوهش نموده و برایش بار بار میگفت:

(کیف تصنع بلاإله إلاالله اذا جاءت یوم القیمة) در روز قیامت وقتیکه لاإله إلاالله بیاید و با تو خصومت نماید چه خواهی کرد، آیا او را از وظیفه اش سبکدوش کرد؟ و یا دیگران را به خلع سلاح کردن او و یا جهاد نکردن تحت قیادت او دستور داد؟ و آیا بیانیه جهت افشای این اشتباه ایراد کرد؟ هیچ یک از این کارها را نکرد، بلکه برعکس او را که یک فرد عادی در لشکر کوچکی بود، به

قوماندانی لشکر بزرگی گماشت، که تحت قیادتش بزرگان صحابه رضی الله عنهم حضور داشتند.

خالدبن ولید رضی الله عنه در مقابل گروهی می جنگید، آنها تصمیم گرفتند، که تسلیم شده، و مسلمان شوند، اما گفتن این جمله را که (اسلمنا) ما مسلمان شدیم، یاد نداشته در عوض گفتند (صبئنا) ما صابئی شدیم (این کلمه زشت است که کفار برای مسلمانان آنرا استعمال میکردند، مثال آن در عصر ما چنین است که روسها و کمونستان مجاهدین مسلمان را که در مقابل آنها می جنگیدند اشرار می نامیدند، گروهی از لشکر کمونستان برای مجاهدین در هنگام تسلیم شدن میگفتند که: اشرار جان ما را نکشید، ما نیز از این به بعد اشرار هستیم!!) خالد بن ولید رضی الله عنه با این گفته آنها عدهء را کشت و عدهء را اسیر نمود، این جریان به پیامبر صلی الله علیه وسلم رسید، او بسیار خفه شده دستهایش را بلند نموده و چنین دعا کرد: ای الله! من از کردار خالد بیزاری ام را اعلان میدارم.

این جریان پیامبر صلی الله علیه وسلم را از گفته معروفش که در حق خالد گفته بود:

(هو سیف من سیوف الله) او شمشیریست از شمشیر های الله عز وجل باز نداشت، در لشکر پیامبر صلی الله علیه وسلم کسی بود که خودکشی نمود، و کسی وجود داشت که از مال غنیمت قبل از تقسیم آن دزدی کرد، و کسی وجود داشت که شراب میخورد، پدر حذیفه بن یمان رضی الله عنه اشتباهاً از طرف مسلمانان در جنگ احد کشته شد، پس آیا تو لشکری صفاتر و پاکتر از آن لشکر میخواهی؟ تا (مرتکب هیچگونه اشتباهی نشوند؟) چه فکر میکنید که اگر مجاهدین به همین جهادی که مسلمانهای زیادی بر آن انتقادها دارند اقدام نمی کردند در آن صورت آیا یهود بر همین سرحدات (در جایی که فعلاًاست) باقی میماند؟

و آیا امریکا تنها به اشغال عراق و افغانستان اکتفاء می کرد؟

حقیقت اینست که همین مجاهدین هستند، که لله الحمد دیوار مستحکم و مانع قوی ای در برابر طوفان صهیونستها و صلیبی ها ایجاد نموده اند، با وجود آن

از تبصره های بیمورد، بندگان الله تعالی سالم نمانده اند، این بهتر بود که ما از آنها سپاسگزاری نموده و کمک شان میکردیم، و یا علی الاقل از آزار و اذیت شان باز می ایستادیم، و این کمترین درجهء ایمان است.

عجیب این است، که مردمان دیگر نیز اشتباه می کنند، و معذرت میخواهند، و معذرت آنها پذیرفته شده، برایشان گفته می شود، که فرق نمی کند، اشتباه کردن از فطرت و طبیعت بشر است، اما این مجاهدین هستند، که اشتباه شان بخشیده نشده، و لغزش شان فراموش نمی شود، هر چند مدتها از آن گذشته باشد اگر آنها سیبی را از باغی بر دارند همه به آن متوجه میشویم، ولی دیگران اگر درختهای سیب را از بیخ بر کنند از دیدن آن چشم پوشی مینماییم.

الله متعال میفرماید: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۝١ ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكْتَالُوا۟ عَلَى ٱلنَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۝٢ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۝٣﴾. [سوره المطففین]

ترجمه: «وای بر مطففین (کسانی که از حقوق مردم در وزن و پیمانه می‌کاهند)! کسانی که چون برای خود بپیمایند، در پیمانه و وزن، تمام می گیرند؛ و چون برای آنان پیمانه دهند یا وزن کنند، به آنان زیان می‌رسانند».

اما مصیبت کمرشکن آنست که افرادی را که در بین مردم به نام عالم و داعی یاد میشوند، در میابیم که حین برخورد با دیگران به چندین راه حل راضی می شوند، و از موقف اسلامی شان تنازل نموده، با سلاطین و حکمرانان از چاپلوسی و نرمی کار میگیرند، با سرد مداران و دستار داران شیعه رافضی و بزرگان و رهبران سیکولرست در اطراف یک میز جمع می شوند، و میخواهند تا همه طرف ها را راضی نگهداشته و میله تعادل را از قسمت میانه و وسطش بگیرند، اما در برابر مجاهدین که برادران دینی آنها هستند، موقف دیگری جز اظهار بیزاری مطلق ندارند.

و این موقف شانرا بار بار در مناسبات مختلف اگر جای ذکرش باشد، و یا نباشد. اعلان میدارند.

(اللهم أرنا الحق حقاً وارزقنا اتباعه وأرنا الباطل باطلاً وارزقنا اجتنابه)

صلي الله علي سيدنا محمد وعلي اله وصحبه وسلم

تاریخ/ ۱۵/ شعبان المعظم/ ۱۴۳۶ هـ ق
2/ June/ 2015م

اداره نشراتی دار الصدق

www.facebook.com/daarulsedq
www.twitter.com/daarulsedq





مکتبة دار الصدق
Daar-ul-Sedq

www.facebook.com/daarulsedq
www.twitter.com/daarulsedq